### فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc425554926)

[خطبه اول 1](#_Toc425554927)

[معنا و مصداق هجرت 2](#_Toc425554928)

[اصل و روح مهاجرت، هجرت به درون 3](#_Toc425554929)

[هجرت پیامبر از مکه به مدینه 4](#_Toc425554930)

[استقبال باشکوه مردم مدینه 6](#_Toc425554931)

[اقدامات رسول خدا و تحولات مدینه 7](#_Toc425554932)

[شعری پیرامون مهاجرت پیامبر 8](#_Toc425554933)

[روضه 8](#_Toc425554934)

[خطبه دوم 9](#_Toc425554935)

[بزرگداشت شهادت دکتر چمران 9](#_Toc425554936)

[توجه به اوقات فراغت کودکان و نوجوانان 10](#_Toc425554937)

[دعا 12](#_Toc425554938)

### خطبه اول

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللَّه[[1]](#footnote-1) ثم الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمّد (ص)، و علی آله الأطیبین الأطهرین لا سیّما بقیّة الله فی الأرضین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) وَ لا تَکُونُوا کَالَّذِینَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ[[3]](#footnote-3) لا یَسْتَوِی أَصْحابُ النَّارِ وَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفائِزُون[[4]](#footnote-4) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه****و ملازمة أمره و مجانبة نهیه** **و تجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی.**

### معنا و مصداق هجرت

**«أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم و مَنْ یُهاجِرْ فی سَبیلِ اللَّهِ یَجِدْ** **فِی الْأَرْضِ مُراغَماً کَثیراً وَ سَعَةً وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً إِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللَّهِ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیماً»[[5]](#footnote-5)** این آیه‌ای است که در شأن هجرت رسول گرامی اسلام از مکه به مدینه نازل شده است.

مهم‌ترین واقعه دوره زندگی پیامبر، با پیشنهادی که در زمان خلیفه دوم، حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) دادند به‌عنوان مبدأ تاریخ مسلمان‌ها انتخاب شد. هجرت در معنای لغوی به معنای ترک و رها کردن است و هجرت از جایی به‌جایی یعنی اینکه کسی جایی را رها کند و در جای دیگری مأوا بگزیند.

ده الی بیست آیه در آیات قرآن کریم در باب هجرت به‌صورت صریح با همین واژه و لفظ هجرت و مهاجرت واردشده است و فضائل و ثواب‌های زیادی برای آن و کسانی که به خاطر خداوند نقطه‌ای را ترک می‌کنند و به‌جای دیگر می‌روند ذکرشده است و چند آیه از این آیات هم در باب مهاجرت رسول مکرّم اسلام از مکه در سنه 14 بعد از بعثت به مدینه نازل‌شده است. با توجه به روایات هم می‌توان فهمید که بحث مهاجرت به‌عنوان یک ارزش بزرگ الهی و یک فضیلت مهم اجتماعی و اخلاقی تلقی شده است.

هجرت دو معنا دارد، یکی معنای ظاهری و اولیه مهاجرت که در قرآن واردشده است یعنی اینکه کسی از سرزمین خودش به خاطر خدا و انجام تکلیف و رسالت الهی به‌جای دیگری کوچ کند، همان چیزی که رسول گرامی اسلام (ص) انجام دادند و مصداق دیگرش هم دو مهاجرتی بود که مسلمان‌ها از مکه به حبشه انجام دادند. هرکدام از این مهاجرت‌ها مهم‌ترین نقش را در گسترش اسلام و نجات آن و در انتقال پیام آزادی‌بخش اسلام از مکه به بیرون از مرزهای مکه و جزیرة‌العرب بود.

مهاجرتی که دو بار به حبشه انجام گرفت و قهرمان آن حضرت جعفر (س) بود که در سخت‌ترین و خفقان‌آمیزترین شرایط و زمانی که مسلمان‌ها در مکه تحت شدیدترین محاصره‌ها بودند جمعی از آن‌ها با مشورت پیامبر اسلام (ص) تصمیم گرفتند که از مکه بیرون بروند و به‌طرف حبشه رفتند و بذر اسلام را در آن سرزمین کاشتند. مهاجرت به حبشه دو بار انجام گرفت که هردوی آن‌ها قبل از هجرت رسول خدا (ص) از مکه به مدینه بود.

این‌یک معنای مهاجرت است که سه نوع خیلی واضح آن در تاریخ اسلام وجود دارد. بعدها مفهوم مهاجرت توسعه پیدا کرد و به معنای رفتن به میدان‌های جنگ و رزم درراه خدا شد، اینکه رزمندگان اسلام برای نجات اسلام و برای پیروزی بر دشمنان از خانه و شهرشان بیرون بروند و به میدان رزم کوچ بکنند این هم از مصادیق مهم مهاجرت است که آیاتی هم در این زمینه نازل‌شده است.

### اصل و روح مهاجرت، هجرت به درون

در روایات با الهام از کنایات قرآن معنا و مصداق دیگری برای مهاجرت نشان داده‌شده است و آن مهاجرت معنوی و قلبی در درون خود انسان است، مهاجرت از رذایل و آلودگی‌های اخلاقی به‌طرف نور فضیلت اخلاقی و آزاد شدن از شیطان در درون است، بالاترین هجرت‌ها ترک گناهان نامیده شده است، اصل و جان و روح مهاجرت در درون انسان است،

درواقع آن زمان که رزمندگان شهر خود را به‌قصد دفاع و رزم درراه خدا ترک می‌کنند هم به هجرت درونی برمی‌گردد، آن انسانی که نتوانست خود را از قید زن و بچه و شهر و دیار و علایق مادی آزاد بکند مرد جنگ هم نخواهد بود، وقتی کسی می‌تواند مهاجرت در جنگ داشته باشد که مهاجرتی در درونش انجام‌گرفته باشد. همچنین وقتی کسانی برای پیام‌رسانی اسلام از نقطه‌ای مهاجرت می‌کنند که بر هوای نفس خود غالب شده باشند و هجرتی در درون انجام داده باشند.

اساس انجام هرگونه وظیفه و هر حرکت معنوی و اخلاقی هجرتی از درون، از شیطان به‌سوی خدا، از گناه به‌سوی اطاعت الهی، از معصیت به‌سوی طاعت خداوند است، این اصل مهاجرت‌ها است و انسان مؤمن باید بکوشد تا توانا باشد بر اینکه این‌گونه مهاجرت را در درون خود محقق بکند.

### هجرت پیامبر از مکه به مدینه

از بالاترین مصداق‌های هجرت و مهاجرت إلی الله مهاجرت سیاسی و اجتماعی رسول خدا از مکه به مدینه بود که بعد از چهارده سال از بعثت ایشان اتفاق افتاد. درواقع چند سالی پیام ایشان به‌صورت مخفی در مکه منتشر می‌شد و بعد از چند سال آن پیام علنی شد ولی علی‌رغم گذشت حدود ده سال از رسمی شدن رسالت رسول خدا گرچه افراد کم‌وبیش به اسلام گرایش پیدا می‌کردند ولی نفوذ و قدرت کفار قریش چنان بود که راه را بر حاکمیت رسول خدا و گسترش اسلام بسته بودند.

تا وقتی‌که حضرت خدیجه (س) و ابوطالب در کنار رسول خدا بودند به‌عنوان یک سدّ در برابر هجوم دشمنان مقاومت می‌کردند، بعد از ارتحال ابوطالب و حضرت خدیجه (س) حلقه محاصره بر رسول خدا (ص) تنگ شد و فشارها از هر سو بر ایشان متمرکز شد و به حدی رسید که کفار قریش تصمیم نهایی را گرفتند که کار رسول خدا (ص) را یکسره بکنند.

جلسه‌ای به‌صورت سرّی توسط بزرگان و سران کفّار قریش تشکیل شد، در آن جلسه برای یکسره کردن کار رسول خدا (ص) طرح‌هایی ارائه شد که در میان آن‌ها پیشنهاد ابوجهل موردقبول واقع گردید، پیشنهاد ابوجهل این بود: «ما اگر بخواهیم فرد خاصی را به قتل رسول خدا بگماریم جنگ‌های قبیله‌ای برپا می‌شود بنابراین از هر قبیله و عشیره فردی دلاور گزینش بشود و در یک‌شب مشخصی به خانه رسول خدا هجوم ببرند و دسته‌جمعی او را به شهادت برسانند.»

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) از این توطئه سرّی خبردار شدند و از طریق وحی این گزارش به ایشان رسید، رسول خدا امام علی (ع) را احضار کرد، امام علی (ع) در آن زمان یک جوان بود اما روح و قلب بسیار بزرگی داشت، همان قهرمان جوانی که در همه خطرها و لحظه‌های حساس در کنار رسول خدا بود.

پیامبر جریان را به امام علی (ع) بازگو می‌کند و از او می‌خواهد که در آن شب به‌جای ایشان در خانه حاضر باشد تا اینکه پیامبر اکرم (ص) مخفیانه از مکه بیرون برود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «رسول خدا آیا با این فداکاری من، تو سالم می‌مانی؟» حضرت می‌فرماید: «بله، تو اگر امشب این فداکاری را بکنی من مخفیانه از حیله آن‌ها خود را رها می‌کنم.» می‌گویند: «**فتَبَسَّمَ ضَاحِکًا**»، خنده‌ای شیرین بر لبان حضرت علی (ع) نقش‌بست.

و سپس «**و أهوی إلی الأرض ساجداً شاکراً لله**»، امام علی به زمین افتاد و سجده شکر به‌جای آورد که با فداکاری من رسول خدا از شرّ دشمنان اسلام نجات پیدا می‌کند.

لحظه موعود و لیلة المبیت فرارسید و نقشه اجرا شد. و در شأن فداکاری امام علی (ع) آیه نازل شد: «**وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یشْری نَفْسَهُ ابْتِغآءَ مَرْضاتِ اللّهِ**»[[6]](#footnote-6) و در روایاتی آمده است که آن شب خدا آزمونی از ملائکه انجام داد که ببینند این اندازه برای هم فداکاری دارند یا ندارند که معلوم شد ندارند، خدا بر جبرئیل و ملائکه مقرّب مباحات کرد و گفت شما ملکوتی و کروبی و مقدس و معصوم هستید اما این فداکاری را ندارید، به زمین نگاه کنید که چگونه این جوان فداکار جای پیامبر می‌خوابد.

حضرت علی (ع) جای پیامبر خوابید و به استقبال مرگ رفت، کفّار در شب حمله کردند و مقداری سنگ پرتاب کردند، سپس نزدیکی‌های صبح با شمشیرهای برّان به خانه پیامبر حمله کردند، ناگهان دیدند که صدا، صدای علی است، خشمگین شدند و تصمیم گرفتند که به‌سرعت مکه را محاصره کنند. پیامبر از مکه بیرون رفتند و سه شبانه‌روز به شکل خاصی در یک غار مخفی شدند.

بین این روزها امیرالمؤمنین خدمت پیامبر آمد و دستورهایی را از ایشان گرفت، به مکه رفت و قرض‌های پیامبر را ادا کرد و اماناتی که بود برگرداند، پیامبر بعد از سه روز با یک‌شکل خاصی ازآنجا بیرون رفتند. نزدیک مدینه و به قبا که رسیدند توقف کردند و فرمودند من اینجا خواهم بود تا علی و فاطمه هم به ما ملحق شوند.

این مهاجرت کارسازی بود که اسلام را از محاصره جمعی لجوج و عنود از سران قریش نجات داد و درواقع به یک هجرت اخلاقی و معنوی که مسلمان‌ها انجام داده بودند برمی‌گشت، حاضر بودند برای اسلام و برای رسالت رسول خدا و برای نجات انسان‌ها از خود مایه بگذارند، از شیطان آزاد شوند و برای رسالت الهی و انجام‌وظیفه الهی مهاجرتی برونی را انتخاب بکنند.

هرچقدر پیامبر در مکه کارکرد دید که آن‌ها مواضع قدرت و جایگاه‌های اصلی را در مکه رها نمی‌کنند، نقشه کشید و به مدینه آمد. قبلاً هم در مدینه کارهای تبلیغاتی زیادی انجام‌گرفته بود و پیک‌های زیادی رفته بودند و زمینه برای ورود پیامبر و تشکیل نظام و حکومت اسلامی فراهم‌شده بود.

### استقبال باشکوه مردم مدینه

مردم مدینه روزشماری می‌کردند که رسول خدا (ص) وارد مدینه بشود. بعد از مدتی که بین راه بودند و چند روزی هم در قبا توقف کردند و بنا بر بعضی نقل‌ها اولین نماز جمعه هم در همین سفر هجرت خوانده شد.

«**وجب الشکر علینا ما دعی لله داع**[[7]](#footnote-7)، ماه تمام بر ما اهل مدینه وارد شد، شکر خداوند بر ما تا پایان تاریخ واجب است»، این شعاری بود که اهل مدینه با او از رسول خدا (ص) استقبال کردند، مردمی که بادل و جان به پیام نجات‌بخش اسلام پاسخ داده بودند، «**طَلَع البـدر علـیـنـا**[[8]](#footnote-8)، ماه تمام و رسول خدا بر شهر ما وارد شد.»

برای اینکه حضرت کجا توقف کند رقابت و بحث بود و جالب این است که حضرت فرمود این شتر را رها کنید، آنجا که مأمور است آنجا نازل می‌شود، سپس شتر حامل رسول خدا به‌جای اینکه به در خانه متمکّنین و پولدارها و صاحبان مکنت و مقام برود در خانه فقیرترین مسلمان‌ها در مدینه نازل شد، أبو أیّوب انصاری، کسی که مال نداشت، جاه و مقام نداشت اما دلی پر از ایمان و مملو از عشق به رسول خدا داشت.

### اقدامات رسول خدا و تحولات مدینه

حضرت وارد مدینه شدند و حکومت اسلامی با رهبری رسول خدا تشکیل شد و اسلام وارد یک نظام اجتماعی شد، قبایل گوناگون مدینه که قرن‌ها بر سر اوهام و خیالات جنگ‌های قبیله‌ای داشتند در پی رهبری رسول خدا (ص) اختلافات را رها کردند و دست وحدت به هم دادند و در شعاع رهبری پیامبر نظامی الهی تشکیل شد.

پیامبر فردای ورودش در مدینه برنامه‌ریزی کرد و مسجدی برای اقامه نماز و به‌عنوان پایگاه وحدت برپا کرد، ایشان دستور دادند خانه‌هایی برای مهاجران ساخته شود، اسامی را عوض کرد، فرماندهانی را تعیین کرد، نمایندگانی را به نقاط دیگر اعزام کرد و بافاصله چند سال نامه‌هایی به سران بزرگ قدرت‌های آن زمان به‌عنوان دعوت به اسلام ارسال کرد. این‌ها اقداماتی بود که پیامبر اسلام بعد از تشکیل اولین حکومت اسلامی انجام داد.

### شعری پیرامون مهاجرت پیامبر

حسان ابن ثابت شعری درباره مهاجرت رسول خدا (ص) دارد: «**لقد خواب قوم زال منهم نبیهم   
و قدس من یسری الیهم و یقتدی، ترحل عن قوم فزالت عقولهم**[[9]](#footnote-9)»، اهل مکه ضرر کردند که آن‌قدر فشار آوردند تا رسول خدا ازآنجا مهاجرت کرد و ستوده باد مردم مدینه که این‌چنین از رسول خدا حمایت و استقبال کردند.

کسی از میان مکه رفت که عقل و جان مردم بود و با رفتن او جان و عقل از آن‌ها زدوده شد و با نور و تابشی جدید بر مدینه شعاع افکند، ارکان و پایه‌های دین جدید و رسالت بزرگ پیامبر از مدینه به همه عالم منتشر شد.

### روضه

رسول خدا تو وارد مدینه شدی و با استقبالی باشکوه و با سرور و شادمانی وصف‌ناپذیر روبه‌رو شدی اما دل‌ها برای حسین شهید تو و برای قافله اسرای کربلا بسوزد، این‌ها هم روزی وارد مدینه شدند اما وقتی امام سجاد و زینب و قافله وارد مدینه شدند که از آن ورود رسول خدا نشانه‌ای در او نبود، چراکه این قافله از سفری برمی‌گشت که سبط رسول خدا و فرزندان و یارانش را به شهادت رسانده بودند، و منادی گفت «**یا أَهْلَ یثْرِبَ لَا مُقَامَ لَکمْ**[[10]](#footnote-10)»، ای کسانی که روزی به استقبال رسول خدا آمدید بیایید ببینید که نواده‌ها و قافله اهل‌بیت با چه غمی وارد شهر می‌شود.

**لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلا بِالله اَلعَلِیِّ العَظیمِ و سَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنْقَلَبٍ ینْقَلِبُونَ[[11]](#footnote-11)**

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[12]](#footnote-12)**

### خطبه دوم

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ[[13]](#footnote-13) و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبا القاسم محمّد (ص) و علی آله الأطیبین الأطهرین لا سیّما سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و علی الصّدیقة الطاهرة فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)****حُجَجِکَ علی عِبادِک وَ اُمَنائِکَ فی بِلادِک وَ ساسَةَ الْعِبادِ وَ اَرْکانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الاْیمانِ وَ اُمَناَّءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبِیّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَ** **عِتْرَةَ خِیَرَةِ ربّ العالمین[[14]](#footnote-14) صلواتک علیهم أجمعین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[15]](#footnote-15) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله و ملازمة أمره و مجانبة نهیه و تجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی.**

### بزرگداشت شهادت دکتر چمران

مرحوم شهید چمران با آن علم و دانش و تخصص بسیار بالا دلباختگی و شیدایی و شیفتگی زیادی نسبت به انجام‌وظیفه و راه خدا داشت که واقعاً از نمونه‌های بسیار نادر این دوران است. کسی که بالاترین تحصیلات را در رشته خودش در آمریکا داشت و بالاترین درجات علمی و مقامات علمی را داشت برای انجام‌وظیفه الهی خطرها را به جان خرید و در پایان هم به آرزوی دیرینه خود که شهادت بود نائل شد.

### توجه به اوقات فراغت کودکان و نوجوانان

تابستان فرصت فراغتی برای فرزندان است و همان‌طور که پدر و مادر در برابر اوقات تحصیل فرزندان مسئولیت دارند در اوقات فراغت هم مسئولیت سنگینی به دوش آن‌ها نهاده شده است، البته فرزندان هم باید سعی کنند تفریحشان تفریح با استفاده باشد و اوقات فراغتشان طوری باشد که از آن بهره‌ای ببرند.

انسان عاقل و سنجیده کسی است که حتی تفریح او بار معنوی، علمی یا بار سازندگی جسمانی دارد و از بطالت و خوش‌گذرانی‌های بی‌جا و معاذ الله بیهوده پرهیز می‌کند، و سعادت جوانان در این است. اسلام بر بطالت و کسالت و بی‌عاری با تأکید فراوانی شوریده است. در روایات فراوانی انسان کسل و بی‌عار و کسی که وقتش را به بطالت می‌گذراند به‌شدت مذمّت شده است، به‌خصوص در بهترین مقاطع سنی که دوره نوجوانی و جوانی باشد.

ارزشمندترین اوقاتی که انسان را به اوج سعادت معنوی و اخلاقی و خدمتگزاری به جامعه می‌تواند برساند همین اوقات نوجوانی و جوانی است و جوانان باید بدانند که منطق و عقل و دین آن‌ها را از بطالت و بی‌عاری و گذران بی‌فایده اوقات منع کرده است.

حتی تفریح و ورزش انسان هم می‌تواند برنامه‌ریزی‌شده باشد. گذاشتن بخشی از وقت برای سلامت جسمی چیز خوبی است و گسترش ورزش امر مطلوبی برای سلامتی جوانان است اما این‌یک گوشه کار است، ورزش بخشی از وقت را باید شامل شود و همین‌طور آمیخته باارزش‌های اخلاقی باشد.

گاهی در بعضی از مراکز ورزشی اخلاق و معنویت و عواطف و غیرت انسانی حاکم است و باید همین‌طور باشد. ورزش باید در خدمت سلامت جسم و عقل و اخلاق قرار بگیرد و نباید اخلاق و معنویت از صحنه‌های ورزشی ما دور بشود.

ورزشکاران کشور حتی اگر درصحنه‌های ورزش جهانی هم حاضر می‌شوند باید اخلاق، معنویت و ابلاغ پیام اسلام را در نظر داشته باشند، اگر حرکت آن‌ها به صحنه‌های ورزش جهانی و منطقه‌ای به خاطر سربلندی ایران باشد و همین‌طور به‌عنوان ابلاغ پیام اسلام و آمیخته بااخلاق اسلامی باشد مصداقی از مهاجرت إلی الله است.

چراکه اسلام ورزش و فراغت را در کنار اخلاق و معنویت، در کنار انسانیت و ارزش‌های انسانی و عواطف الهی خواسته است، این جهت‌گیری بزرگی است که باید ورزش و تفریح در کشور ما داشته باشد.

باید از لذّت‌های مجاز اسلامی بهره برد اما لذت‌های زودگذر ما را وارد خوشی نمی‌کند، خوشی نهایی و لذت اطاعت از خدا و سلامت روحی و روانی و اخلاقی جامعه چیز بالاتری است و در این جهت همه خانواده‌ها و آحاد جامعه مسئول هستند.

تابستان جمعی از کودکان و نوجوانان به کلاس‌های قرآنی، ورزشی و هنری جذب می‌شود، بحمد لله ارگان‌ها و ادارات گوناگون، آموزش‌وپرورش، سازمان تبلیغات و ارشاد اسلامی و کانون‌های مختلف فرهنگی که در مساجد است در تابستان برنامه‌های بسیار خوبی در زمینه‌های مختلف دارند، این‌یک بخش از کار است.

درعین‌حال افراد زیادی هستند که جذب این کلاس‌ها نمی‌شوند، اگر وقت نوجوانان و جوانان به‌درستی پر نشود و خانواده‌ها نظارت سنجیده و عاقلانه نداشته باشند ممکن است فرزندان طعمه مفاسد اخلاقی بشوند. متأسفانه طبق آمار و ارقام معمول مفاسد و بعضی از خلاف‌ها و اشتباه‌های بسیار زشت ریشه در داشتن دوستان ناباب، به نبودن نظارت درست خانوادگی، به عدم ارتباط نوجوانان و جوانان با مسجد و قرآن و برنامه‌های دینی دارد که در همه این‌ها خانواده‌ها سهیم هستند.

اگر به آن توجه نشود مفسده‌های زیادی در جامعه پیدا می‌شود و برای این جامعه زشت است که در آن چاقوکشی، قتل، اعتیاد و امثال آن‌ها رواج پیدا کند. دعاوی خانوادگی، جرائم اجتماعی و اخلاقی چیزهایی است که همه باید روی آن حساس باشند و احساس مسئولیت کنند، با راه‌های درست تربیتی، امربه‌معروف و نهی از منکر و آگاهی دادن به آن‌هایی که اطلاعات دقیق ندارند باید این نوع مسائل را کنترل کرد.

خود خانواده‌ها هم باید روی مسائل اخلاقی و خانوادگی فکر بکنند و اینکه اگر این‌ها روی‌هم انباشته شود ممکن است به نقطه‌ای برسد که واقعاً قابل‌کنترل نباشد.

### دعا

نَسئَلُک اَلّلهُمَ و نَدعُوک بِاسمِکَ العَظیمِ الاَعظَم الاَعَزِ العَجَّلِ الاَکرَم یاالله یا الله یا الله یا الله اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیةِ وَ صِدْقَ النِّیةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ أللّهُمَّ انصُرِ الإسلَامَ وَ أهلَهُ وَ اخذُلِ الکُفرَ وَ أهلَهُ.

خدایا دل‌های ما را به نور قرآن و عترت منور بفرما، خدایا نسل جوان ما و ذریّه ما را از بهترین جوانان قرار بده، خدایا پیوند این امّت و ملّت را از قرآن و اسلام و ولایت هرگز جدا مفرما، خدایا آینده این امّت اسلام در هر کجا که هستند آینده‌ای پر از سعادت و خوشی و موفقیت و پیروزی قرار بده، همه ما را بر انجام وظایفمان موفق بفرما، ارواح شهداء، روح بزرگ امام با اولیای خودت محشور بفرما، اموات و مؤمنین و مؤمنات و گذشتگان ما را غریق بهار رحمت خودت بفرما، به همه ایثارگران و خانواده‌های آن‌ها اجر عنایت بفرما، سلام‌ها و درودهای خالصانه ما را در این روز جمعه به محضر مولا و آقایمان حضرت بقیّة الله (عج) ابلاغ بفرما، بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما، خدمتگزاران اسلام مقام معظم رهبری را در پناه خودت محافظت بفرما.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَد، لَمْ یلِدْ وَ لَمْ یولَدْ، وَ لَمْ یکن لَّهُ کفُوًا أَحَدٌ[[16]](#footnote-16)

1. 1. سوره مبارکه الأعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. .2. سوره مبارکه الحشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. سوره مبارکه الحشر، آیه 19. [↑](#footnote-ref-3)
4. 4. سوره مبارکه الحشر، آیه 20. [↑](#footnote-ref-4)
5. 5. سوره مبارکه النساء، آیه 100. [↑](#footnote-ref-5)
6. 6. سوره مبارکه البقره، آیه 207. [↑](#footnote-ref-6)
7. 1. جاودانه‌ترین ترانه تاریخ؛ خیل عظیمی از مردمان مدینه شادمانه در مراسم باشکوهی به استقبال آن حضرت شتافتند. در این میان عده‌ای از کنیزکان و دختران یثرب دف‌زنان این شعر را زمزمه می‌کردند. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . دیوان حسان بن ثابت، صفحه 51. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره مبارکه احزاب، آیه 13. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه شعراء، آیه 277. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره مبارکه کوثر. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نهج البلاغه، خطبه 98. [↑](#footnote-ref-13)
14. . زیارت جامعه کبیره. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره مبارکه آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره مبارکه توحید. [↑](#footnote-ref-16)